

سالشمار زندگی
پتر هانتکه

● سالشمار زندگی پتر هانتکه / ندا درفش کاویانی

۱۹۳۲

ششم دسامبر پتر هانتکه در خانه‌ی پدر بزرگش واقع در خیابان آلتن مارکت شماره‌ی ۲۵ در گریفن اتریش به دنیا می‌آید. مادرش ماریا هانتکه (۱۹۲۰ - ۱۹۷۱) در اصل فرزند خانواده‌ای اسلونیایی اتریشی تبار است و در آن زمان در خانه‌ی پدرش گرگور سویتس (۱۸۸۶ - ۱۹۷۵) زندگی می‌کند. سربازی آلمانی که در ایالت کرنتن اتریش اقامت و خود زن و فرزند دارد، پدر واقعی پتر است. کمی پیش از زایمان مادر هانتکه با سربازی دیگر که باز هم آلمانی و اهل شهر برلین است به نام آدلف برونو هانتکه (فوت - ۱۹۸۸) ازدواج می‌کند پتر هانتکه تازه پس از پایان تحصیل دبیرستانی متوجه می‌شود که آدلف برونو پدر واقعی او نیست.

۱۹۳۴

ماریا هانتکه با پسرش به نزد خانواده‌ی شوهرش در برلین می‌رود. پیش از پایان جنگ با پسرش به خانه‌ی پدری در کرنتن اتریش باز می‌گردد.

۱۹۳۵

پس از پایان جنگ جهانی دوم دوباره با فرزندش به سراغ شوهرش در برلین می‌رود و در

همین شهر و بخشی که در اشغال سربازان شوروی بوده است، آپارتمانی اجاره می‌کند.

۱۹۳۷

ماه اوت خواهر پتر به نام مونیکا به دنیا می‌آید.

۱۹۳۸

به دلیل وضعیت خاص سیاسی در برلین خانواده از برلین شرقی به اتریش می‌گریزند. تا زمان ساخت خانه‌ی خودشان (۱۹۵۷) در خانه‌ی روستایی پدر بزرگ در گریفن می‌مانند. پدر خانواده کارگر کارگاه نجاری دایی پتر هانتکه می‌شود.
ماه سپتامبر پتر به مدرسه می‌رود.

۱۹۳۹

برادرش هانس گرگور به دنیا می‌آید.

۱۹۵۲

در ماه سپتامبر به مدرسه‌ی متوسطه به نام مارکت گریفن می‌رود.

۱۹۵۳

در ماه سپتامبر هانتکه از این مدرسه به کلاس دوم دبیرستانی در تانتسن برگ می‌رود و در این مدرسه‌ی شبانه‌روزی خاص کاتولیک‌ها درس می‌خواند.

۱۹۵۷

آموزگارش، راینهارد موزار که خود نویسنده است، هانتکه را تشویق به نویسندگی می‌کند.
برادرش روبرت به دنیا می‌آید.
خانواده به خانه‌ی جدید خود در خیابان آلتن مارکت شماره ۶ نقل مکان می‌کند.

۱۹۵۹

اولین جایزه‌ی زندگی خود را پتر هانتکه در مسابقه‌ی ادبی دانش‌آموزان شهر کلاگنفورت دریافت می‌کند. در ماه ژوئن اولین اثرش با عنوان «بی‌نام و نشان‌ها» در نشریه‌ی ایالت کرتن

چاپ می‌شود.

وسط سال تحصیلی مدرسه شبانه روزی تانتسن برگ را ترک می‌کند و به دبیرستان دولتی کلاگنفورت می‌رود. برای این کار ناگزیر است که هر روز با اتوبوس از گریفن به مدرسه‌اش در کلاگنفورت برود.

۱۹۶۱

ماه ژوئن تحصیلات دبیرستانی خود را با نمراتی بسیار خوب به پایان می‌رساند. در ماه‌های ژوئن و اوت برای اولین بار پدر واقعی خود را می‌بیند و در تعطیلات با او به یوگسلاوی می‌رود.

ماه اکتبر به دانشگاه می‌رود و در رشته‌ی تحصیلی حقوق در دانشگاه گراتس ثبت نام می‌کند. در سال‌های اول تحصیل ناگزیر کار هم می‌کند تا بتواند خرج زندگی خود را در آورد. از میانه‌های دهه‌ی شصت که برای اولین بار از راه نویسندگی حقوقی به دست می‌آورد، به مادر و خواهرش هم کمک مالی می‌کند.

۱۹۶۳

با آلفرد کولریچ (متولد ۱۹۳۱)، سردبیر نشریه ادبی «مانوسکریپته» در شهر گراتس (از سال ۱۹۶۰) آشنا می‌شود.

در همین سال تصمیم می‌گیرد که کار نویسندگی خود را شروع کند. متن‌هایی کوتاه با عنوان «درباره‌ی مرگ یا غریبه»، «فروشنده‌ی دوره گرد»، «زنبورهای خرمایی» را می‌نویسد. با برنامه‌های ادبی رادیو گراتس همکاری می‌کند.

۱۹۶۴

در جزیره‌ی کرک یوگسلاوی اولین رمان خود را می‌نویسد. نام این رمان «زنبورهای خرمایی» است و تا پایان سال ۱۹۶۵ بارها هانتکه آن را بازنویسی می‌کند. «قطعه‌های کلامی» نیز در همین سال نوشته می‌شود.

۱۹۶۵

با لیگارت شوارتس که هنرپیشه است. آشنا می‌شود و در سال ۱۹۶۷ با او ازدواج می‌کند. برای اولین بار به پاریس سفر می‌کند.



PETER HANDKE was born in Griffen, Austria, in 1942 and studied law from 1961 to 1965 at Graz University. In 1966 his first novel, *Die Hornissen*, was published and his play *Die Publikumsbeschimpfung* (*Offending the Audience*) was first staged in Frankfurt. It was staged in London by The Other Company in 1970 and published in English by Methuen in 1971. *Kaspar* was first staged in Germany in 1968.

انتشارات زورکامپ چاپ و نشر رمان «زنبورهای خرمایی» را بر عهده می‌گیرد. هانتکه دانشگاه را نیمه کاره رها و از این زمان به صورت نویسنده‌ای مستقل زندگی می‌کند.

۱۹۶۶

ابتدای سال رمان «زنبورهای خرمایی» منتشر می‌شود. در ماه آوریل و پس از آن که به شهرت می‌رسد، در جلسه‌ی نویسندگان گروه ۴۷ در دانشگاه پرینسون امریکا نویسندگان مشهور را در توصیف واقعیت‌ها «ناتوان» می‌خواند و از آنان انتقاد می‌کند. این برای اولین بار است که هانتکه تلفی خود از ادبیات را بیان می‌دارد. در ماه ژوئن اولین نمایشنامه‌ی او با نام «اهانت به تماشاگران» اجرا می‌شود. این اثر را کلاوس پیمن در شهر فرانکفورت کارگردانی می‌کند و بعدها بارها این نمایش در شهرهای مختلف آلمان اجرا می‌شود.

ماه اوت هانتکه برای زندگی از گراتس به دو سلدورف می‌رود. ماه اکتبر در شهر اوبرهاوزن قطعه‌های کلامی هانتکه «غیب‌گویی» و «اتهام به خود» به کارگردانی گوتتر بوش اجرا می‌شود. هانتکه در این سال از ادبیات و زبان انتقاد می‌کند و به همین دلیل نماد نسل بیتل‌ها می‌شود.

۱۶

۱۹۶۷

اوایل سال، دومین رمان هانتکه با عنوان «فروشنده‌ی دوره‌گرد» در انتشارات زورکامپ منتشر می‌شود.

ماه فوریه با لیبگارت شوارتس هنرپیشه ازدواج می‌کند. هانتکه ماه آوریل در شهر برلین سخنرانی می‌کند. سخنرانی او با عنوان «ادبیات رمانتیک است» در روزنامه‌های برلین به چاپ می‌رسد.

ماه سپتامبر نمایشنامه‌ی «فریادهایی برای کمک» با همکاری تئاتر ابرهاوزن در شهر استکهلم و به کارگردانی گوتتر بوش اجرا می‌شود.

هانتکه «کاسپار» را در شهر دو سلدورف می‌نویسد و در همین سال انتشارات زورکامپ آن را منتشر می‌کند.

«سلام به گروه ناظران» که مجموعه‌ای است از متونی به نثر و نوشته‌های هانتکه از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ در انتشارات رزیدنتس منتشر می‌شود.

اواخر سال هانتکه جایزه‌ی گرهارت هاوپتمان تئاتر برلین را به پاس «موضوع‌های جدیدی

که در تئاتر آلمان مطرح کرده است و حمایت از آثاری که او در آینده خواهد نگاشت» دریافت می‌کند. هانتکه در این زمان به هیچ یک از پرسش‌هایی که درباره‌ی ادبیات از او می‌شود، پاسخ نمی‌گوید، بلکه با ناراحتی و خشم از تیرته‌ی پلیس آلمانی که بنو اونه زورگ را در تظاهرات دانشجویی کشته است، انتقاد می‌کند.

۱۹۶۸

ماه مه نمایش «کاسپار» برای اولین بار اجرا می‌شود. این نمایش در فرانکفورت و به کارگردانی کلاوس پیمن به اجرا در می‌آید. در همین زمان گونتر بوش همین نمایشنامه را در ابرهاوزن روی صحنه می‌برد.

۱۹۶۹

هانتکه یک سال در برلین زندگی می‌کند.

دخترش آمینا به دنیا می‌آید.

ماه ژانویه نمایش «صفیر می خواهد کبیر شود» در فرانکفورت و به کارگردانی کلاوس پیمن اجرا می‌شود.

ماه فوریه مجموعه شعرهای هانتکه منتشر می‌شود.

ماه مارس کتاب «جهان درونی جهان بیرونی جهان درونی» در انتشارات زورکامپ منتشر می‌شود. در این مجموعه شعرهای هانتکه از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ گردآوری شده است.

ماه آوریل هانتکه مجموعه‌ی «هراس معمول» را گردآوری و منتشر می‌کند. از بین هجده نویسنده‌ی این مجموعه می‌توان به توماس برنهارد، گابریله ومان و پتر شوتیویتس اشاره کرد. هانتکه خود در این اثر داستان «واژگونی گوی از مسیر بازی» را می‌نویسد.

۱۹۷۰

برای زندگی از برلین به پاریس می‌رود.

ماه فوریه داستان «ترس دروازه‌بان به هنگام ضربه‌ی پنالتی» در انتشارات زورکامپ منتشر می‌شود.

۱۹۷۱

هانتکه دایم از دوسلدورف به پاریس، اتریش، کلن و فرانکفورت سفر می‌کند.
ژانویه نمایش «گردشی با اسب روی دریاچه‌ی بودنزه» در تئاتر برلین با کارگردانی کلاوس
پیمن اجرا می‌شود.
ماه مه فیلم تلویزیونی هانتکه با نام «گاشماری رخدادهای گذشته» پخش می‌شود. مدتی
بعد هم کتابی با همین نام منتشر می‌شود.
در ماه نوامبر مادر هانتکه خودکشی می‌کند. هانتکه هم از لیبگارت شوارتس جدا می‌شود و
به کرونین برگ می‌رود.

۱۹۷۲

ماه ژانویه کتاب «نامه‌ای کوتاه برای وداعی طولانی» منتشر می‌شود. این کتاب را انتشارات
زورکامپ در شمارگان پنجاه هزار نسخه به چاپ می‌رساند.
ماه فوریه براساس کتاب «ترس دروازه‌بان به هنگام ضربه‌ی پنالتی» فیلمی برای تلویزیون
ساخته می‌شود. کارگردان این اثر ویم وندرس است. بعدها هم این فیلم در سینما نمایش داده
شد.

کتاب «من ساکن برج عاجم» که مجموعه‌ای از بحث‌های نظری هانتکه از سال ۱۹۶۵ است،
منتشر می‌شود. ماه سپتامبر داستان «ناکامی ناخواسته» منتشر می‌شود و منتقدان به دلیل شکل
روایت آن و تحول این اثر استقبال زیادی از آن می‌کنند.

۱۹۷۳

هانتکه در دارمشتات جایزه‌ی گئورگ بوشنر آکادمی زبان و ادبیات آلمان و جایزه‌ی
فریدریش شیلر شهر مانهایم را دریافت می‌کند.
ماه اکتبر نمایش «نسل نابخردان منقرض می‌شود» را انتشارات زورکامپ منتشر می‌کند.
از این سال تا سال ۱۹۷۹ عضو انجمن نویسندگان شهر گراتس می‌شود.
ماه نوامبر هانتکه به پاریس مهاجرت می‌کند.

۱۹۷۴

مجموعه‌ای از هانتکه به نام «به یاد آن روزها که آرزو زندگی را ممکن می‌کرد» منتشر
می‌شود.

بر اساس داستان «ناکامی ناخواسته» تلویزیون اتریش فیلم می‌سازد.
کتاب «ساعت احساس حقیقی» منتشر می‌شود.

۱۹۷۵

فیلم‌نامه‌ی «حرکت نادرست» را منتشر می‌کند. کتاب «ساعت احساس حقیقی» هم منتشر می‌شود.

۱۹۷۶

کتاب «زن چپ دست» که با عنوان «پیوندهای گسسته» به فارسی ترجمه شده است، منتشر می‌شود. در همین سال فیلمی بر اساس همین کتاب ساخته می‌شود.
شعرهایش با عنوان «پایان ولگردی» با یادداشت‌هایی به اسم «وزن سنگین جهان» انتشار می‌یابد.

۱۹۷۸

مدتی در آمریکا زندگی می‌کند.

۱۹۷۹

هانتکه به خانه‌ی دوست دوران جوانی‌اش هانس ویدریش در سالزبورگ می‌رود. دخترش آمینا در دبیرستان سالزبورگ درس می‌خواند.
هانتکه به عنوان اولین نفر جایزه‌ی فرائنس کافکا را دریافت می‌کند.
کتاب «بازگشت آرام به خانه» در انتشارات زورکامپ منتشر می‌شود.
در شهر سالزبورگ هانتکه آثاری را از زبان‌های دیگر ترجمه می‌کند.

۱۹۸۰

کتاب «ویکتور قدیس» منتشر می‌شود.

۱۹۸۱

هانتکه کتاب «درباره‌ی روستاها» و «داستانی کودکانه» را می‌نویسد.

۱۹۸۲

«ماجرای مداد» منتشر می‌شود.

۱۹۸۳

جایزه‌ی فرانتس گریل پارتز را به او عطا می‌کنند. در همین سال کتاب «رویا‌های تکرار» هم به چاپ می‌رسد.

۱۹۸۵

جایزه‌ی آنتون ویلدگان را دریافت می‌کند.

۱۹۸۶

جایزه‌ی ادبی شهر سالزبورگ را به او می‌دهند. کتاب «تکرار» او هم در همین سال منتشر می‌شود.

۱۹۸۷

جایزه‌ی بزرگ دولتی کشور اتریش در زمینه‌ی ادبیات به پتر هانتکه داده می‌شود. در همین زمان فیلم‌نامه‌ی «بر فراز آسمان برلین» را با ویم وندرس می‌نویسد و در کارگردانی این فیلم هم همکاری می‌کند.

۱۹۸۸

جایزه‌ی ادبی شهر برمن را می‌گیرد. «علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»

رتال جامع علوم انسانی

۱۹۸۹

دو کتاب «بازی پرسش» و «تلاشی برای گریز از خستگی» را می‌نویسد.

۱۹۹۸

قصه‌ی زمستانی شکسپیر را به زبان آلمانی ترجمه می‌کند. هم چنین «تلاشی برای روز نیک‌بختی» را به چاپ می‌رساند.

۱۹۹۲

نمایشنامه‌ی «زمانی که از هم هیچ خبری نداشتیم» را می‌نویسد و کلاوس پیمن آن را در شهر

وین اجرا می‌کند. نمایشنامه‌ها و یادداشت‌های پراکنده‌اش با عنوان «آرام در سایه» نیز در همین سال انتشار می‌یابد.

۱۹۹۶

«هنر پرسیدن»، «سال من در خلیج ناگجاآباد، قصه‌ای از عصر جدید» به چاپ می‌رسد.

۱۹۹۵

جایزه‌ی یادبود شیلر را دریافت می‌کند.

۱۹۹۶

کتاب «نوشته‌ای تابستانی بر سفری زمستانی» را می‌نویسد.

۱۹۹۷

«در شبی تاریک از خانه‌ی ساکتم بیرون رفتم» انتشار می‌یابد.

۱۹۹۸

کتاب «سرزمین کلمه‌ها» را به رشته‌ی تحریر در می‌آورد.

۱۹۹۹

قصه‌ای با عنوان «لوسی در جنگل» را با یازده طرح خود منتشر می‌کند. هم‌چنین اثر دیگری با عنوان «پرسش با اشک» را می‌نویسد.

۲۰۰۱

جایزه‌ی خانه‌ی ادبیات فرانکفورت به پتر هانتکه داده می‌شود.

۲۰۰۲

با کاتیا فلینت ازدواج می‌کند. فلینت هنرپیشه‌ی تئاتر است.

۲۰۰۴

ماه ژوئن در فرایشتات (اتریش) جایزه‌ی هرمان لنتس را دریافت می‌کند.

ANDRÉ MÜLLER
im Gespräch mit
PETER HANDKE



publication PN°1
Bibliothek der Provinz